

مبانی نوین مدیریت مالی در سیره علوی

- مهری حقیقی^۱ - دکتر سعیدرضا ابدی^۲ - دکتر اصغر عربیان^۳ - دکتر محمد جلالی^۴ -

چکیده

مدیریت نقش بسزایی در کارآمدی و تحقق هدف‌های فردی، گروهی و سازمانی دارد که در حقوق عمومی، حاکمیت و حکمرانی تلقی می‌گردد. برای دستیابی دولت‌ها به کارایی و کارآمدی، نظارت بر امور مالی و اقتصادی کشور امری گریزناپذیر است، چرا که در دنیای کنونی، قوام و استحکام یک کشور بدون تردید در گرو موفقیت در مدیریت منابع مالی است که پژوهشگران در جستجوی مبانی نوین آن مؤلفه‌هایی را معرفی می‌نمایند. از سوی دیگر، دین مبین اسلام که بهترین آیین زندگی است در همه ابعاد راهگشاست. این مقاله به بررسی مؤلفه‌های مدیریت کارآمد مالی در سیره حضرت امیرالمومنین علی (ع) در سطح حکمرانی می‌پردازد که ضمن تلاش برای ارائه راهکاری برای برون رفت از ضعف‌های مدیریتی در برخی حوزه‌های کلان و خرد اقتصاد کشور و مبارزه با فساد، بیانگر ترقی و روشنفکری در حکمرانی بزرگان دین ما در صدها سال پیش خواهد بود.

کلید واژه‌ها: مبانی نوین مدیریت، مدیریت مالی علوی، سازماندهی، مؤلفه‌های کنترل.

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

haghighimehri@yahoo.com

نویسنده مسئول

۲- استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۷.

مقدمه

نقش اساسی مدیران، تأمین هدف‌های سازمانی از طریق توجه و برآوردن نیازمندی‌ها و هدف‌های فردی و گروهی کارکنان است. ضمن تأمین رضایت خاطر از باب رجوع و جامعه، جلب رضایت کارفرمایان، دولت و حفظ و رشد سازمان، از دیگر مسائل مهمی است که مدیران در هر سازمان باید به آن‌ها بپردازند (پاریزی) " (محبی فر، ۱۳۹۲-۱۳۹۳: ۲). بنابراین "کسی که متولی امورده نفرشود، باید اندیشهٔ چهل نفر را داشته باشد و کسی که مسئولیت اداره چهل نفر را برعهده بگیرد، باید عقل و اندیشهٔ چهارصد نفر را داشته باشد" (پاینده، ۱۳۶۰: ۵۷۳). همواره رهبران و مدیران در سطوح گوناگون فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی نقش آفرینند و در همهٔ زمینه‌های پیشرفت و حرکت‌های اجتماعی، عامل مهم و اساسی به شمار می‌روند، به طوری که تحقق هدف‌ها، بدون مدیرشایسته و مدیریت کارا در یک مجموعه اعم از گروه، سازمان، ملت و یا جامعه جهانی ناممکن به نظر می‌رسد. مدیریت عبارت است از استفاده مناسب از منابع مادی و انسانی برای دست یافتن به هدف‌های مؤسسات از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و کنترل، با توجه به عوامل محیط فرهنگی مؤسسه. می‌توان گفت: فعالیت‌های فرآیند مدیریت، عبارت است از: برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل (محبی فر، ۱۳۹۲-۱۳۹۳: ۳). در واقع، کنترل آخرین حلقه از حلقه‌های مدیریت به ویژه در امور مالی از منظر حاکمیت است که این پژوهش مبانی نوین آن را در سیره علوی جستجو می‌کند.

پیشینه پژوهش

در آثار و مقاله‌های بسیاری، رویکردها و ابعاد گوناگون برجستگی‌های شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام بررسی شده است؛ از جمله جنبه‌های اجتماعی، اداری، مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و... در پژوهش حاضر می‌خواهیم از منظر حقوق عمومی که حاوی همه این رویکردهاست، موضوع را بررسی کنیم که از نظر نوآوری و روش و

منابع، و محتوا^۱ با دیگر آثار متفاوت است.

مفاهیم

"بودجه" در دولت‌های معاصر سه وظیفه ایفا می‌کند، تغذیه عملکرد خدمات عمومی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، تنظیم رشد اقتصادی. نقش اخیر از نیمه قرن حاضر به این طرف توسعه یافته و به نقش اساسی و بنیادی تبدیل شده است. بودجه علاوه بر نقش قدیمی خود، ابزار اجرای سیاست‌های دولت‌ها در قلمرو اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می‌رود (امامی، ۱۳۸۹: ۱۰)، بنابراین انجام هر اقدامی از سوی دولت‌ها نیازمند صرف هزینه است و ناتوانی دولت در تأمین منابع درآمدی و توزیع متناسب آن‌ها و نیز در بسط بستر مناسب برای این فرآیند، دولت‌ها را عقیم و ناکارآمد می‌نماید. به عبارتی "حکمرانی خوب" مستلزم وجود نظام مالیه عمومی شفاف، کارآمد و هدفمند است (قلمکار، ۱۳۹۲-۱۳۹۱: ۱۴۴/۱۴۵) و "حکمرانی" (governance)، مدیریت مطلوب بر منابع است نه حکومت کردن. (government) در واقع، "مدیریت" استفاده مناسب از منابع مادی و انسانی برای دست یافتن به هدف‌ها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و کنترل با توجه به عوامل محیط فرهنگی مؤسسه است. علم و هنر یافتن و به کار گماردن شایسته‌ترین افراد، تلقی مساعی فکری و جسمی آنان و هماهنگ کردن این مساعی در جهت هدف یا هدف‌های مورد نظر مؤسسه، مدیریت کارآمد تلقی می‌گردد (محبی فر، ۱۳۹۲-۱۳۹۳: ۲).

۱- مبانی نوین مدیریت

دین اسلام که به سبب جامعیت قوانین و احکام بر ادیان گذشته برتری دارد، در زمینه قوانین مربوط به تدبیر سیاست جامعه انسانی نیز از ویژگی و امتیاز خاصی برخوردار

۱- در آثار موجود در این زمینه، بیشتر بعد اقتصادی و مالی - صرف نظراً تشابه اسمی - بعد مدیریتی مثل تولید یا توزیع، ... و یا بعد سیاسی بررسی شده، در حالی که پژوهش حاضر مدیریت کلان اقتصادی در سطح حاکمیت را مورد نظر قرار داده است.

است. توجه به وضعیت جامعه و نوع حکومت و چگونگی قوانین و احکام رایج در جامعه، از مهم‌ترین فصول دین مبین اسلام است. در این زمینه گفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام در تصدی زمامداری امت و نشان دادن راه عملی حاکمیت الهی و عهده‌دار گشتن امر رهبری، حکومت، سیاست، قضاوت، جنگ و صلح، معاهدات و روابط مسلمانان با دیگر ملل، بهترین گواه است (جعفری، ۱۳۶۸: ۲۳۵/۲۳۶). اسلام دین ترقی است و قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است (صحیفه نور، ۱۳۷۸: ۱). جستجو در آثار به جا مانده از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شیوه ناب مدیریت ایشان در حکومت داری را که ضمن ترکیب حقوق، سیاست، حسابداری، حسابرسی، اخلاق و... قابل انطباق با مؤلفه‌های مدیریت و حکمرانی نوین می‌باشد، روشن می‌سازد. اگر مدیران فعلی کشور ما، این شیوه‌های مدیریتی را به کار گیرند، ضمن استغنای از توسل به فرهنگ دیگر کشورها، به کارآمدترین مدیریت مورد نیاز کشور دست خواهیم یافت. در این مقاله مؤلفه‌های نوین نظارت مالی را در بخش چهارم (کنترل) که شرط کارآمدی دولت نیز محسوب می‌شود، مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱-۱- برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی عبارت از فراگرد تعیین و تعریف هدف‌ها و تدارک دقیق و پیشاپیش اقدام‌ها و وسایلی است که تحقق هدف‌ها را میسر می‌سازد. اقدام‌ها و وسایل مورد نیاز عبارت‌اند از: پیش بینی روش‌ها، زمان و مکان، منابع و افراد (علاقه‌بند، ۱۳۷۵: ۳۵). در تعریفی دیگر "تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند" (رضاییان، ۱۳۸۰: ۸۵)، برنامه‌ریزی عنوان شده است. برنامه‌ریزی در مدیریت علی علیه السلام مقدمه دیگر امور تلقی می‌گردد که در این فرمایش نمود دارد: "مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی را برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی را برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است" (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: حکمت ۳۹۰). "پس بهترین چیز نزد تو در دنیا رسیدن به لذت‌ها یا انتقام گرفتن نباشد، بلکه هدف تو

خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد...» (دشتی، ۱۳۸۸: نامه ۶۶) «و کسی که خود را رهبر مردم قرار داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد... زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد سزاوارتر به تعظیم است» (دشتی، ۱۳۸۸: حکمت ۷۳).

۲-۱- سازماندهی

سازماندهی عبارت از فرآیندی است که طی آن تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان، به منظور رسیدن به هدف‌ها صورت می‌گیرد. به بیان دیگر سازماندهی فرایندی سه مرحله‌ای است شامل: الف) طراحی کارها و فعالیت‌ها. ب) دسته بندی فعالیت‌ها به پست‌های سازمانی. ج) برقراری رابطه میان پست‌ها به منظور کسب هدف مشترک (رضاییان ۱۳۸۰: ۱۲۶). در فرامین امیرالمؤمنین علی علیه السلام این مسئله بدین‌گونه آشکار می‌گردد: "برای هر یک از کارکنان خود کاری را تعیین کن تا او را نسبت به همان مورد مؤاخذه کنی. این کار باعث می‌شود آنان کارها را به یکدیگر واگذار نکنند" (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: نامه ۳۱). همچنین جامعه را به گروه‌هایی تقسیم می‌نماید و کار هر یک را به تفکیک مشخص می‌کند: "اما لشکرها، به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند و زینت والیان.... و کار رعیت جز به آن‌ها استقامت نپذیرد. و کار لشکر سامان نیابد جز به خراجی که خداوند برای ایشان مقرر داشته،... این دو صنف، برپای نمانند مگر به صنف سوم که قاضیان و کارگزاران و دبیرانند... و این‌ها که بر شمردم استوار نمانند مگر به بازرگانان و صنعتگران... آن‌گاه صنف فرودین، یعنی نیازمندان و مسکینان‌اند و سزاوار است که والی، آنان را به بخشش خود بنوازد و یاریشان کند...." (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: نامه ۵۳).

۳-۱- رهبری

هدف از رهبری، برنامه‌ریزی گسترده و تدوین قوانین عمومی جامعه در جهت نظام کلی است. به عبارت دیگر رهبری عبارت است از ساخت و ایجاد شاهراهی عظیم و هم‌سوبا هدف‌های کلی نظام و هدایت و ارشاد همه افراد و طبقات جامعه در این شاهراه

(اشرف سمنانی، ۱۳۶۴: ۶۳). بزرگ‌ترین دلیل شکست در ارتباط با مدیران، ضعیف بودن آنان در زمینه مهارت‌های انسانی است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). انتخاب مدیر مناسب، و به‌کارگیری شیوه‌مدیریتی مناسب، تحقق هدف‌های سازمانی را به دنبال خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام با اشراف به این مسئله می‌فرماید: "سزاوار نیست که بخیل برناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود تا در اموال آن‌ها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم، حق مردم را غصب و عطا‌های آنان را قطع کند و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد و اما رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند باشد، زیرا برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند و آن کس که سنت پیامبر را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد، زیرا امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند" (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۱۳۱).

۴-۱- کنترل

در مدیریت نوین، نظارت و کنترل به عنوان یکی از وظایف مدیران در همه سطوح مدیریت از سرپرستی تا عالی از اهمیت فراوانی برخوردار است (الوانی، ۱۳۸۱: ۷۸). به عبارتی، کنترل، ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها از زمان اجرای آن‌ها و اقدام‌های لازم برای جلوگیری از انحراف‌های عملیات نسبت به هدف‌های برنامه و تصحیح انحراف‌های اجتماعی به وجود آمده (جاسبی، ۱۳۷۸: ۲۶۱/۲۶۲) است. کنترل، میزان پیشرفت در جهت هدف‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و مدیران را قادر می‌سازد که انحراف از برنامه را تشخیص دهند و اقدام‌های اصلاحی لازم را به عمل آورند (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۹۷). کنترل و نظارت در رشته‌های دیگر هم مورد توجه است و از ابعاد گوناگون به موضوع نگریسته می‌شود؛ از جمله در حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی، حساسی، حسابداری و... مورد بررسی و دقت قرار می‌گیرد. بدیهی است دستیابی به اهرم کنترلی کارآمد

نیازمند تلفیق دستاورد همه این رشته‌ها و استفاده بهینه از مؤلفه‌های مشترک آن‌هاست، بویژه علوم اجتماعی از این خاصیت برخوردار هستند. مهار یا کنترل قدرت، یکی از مفاهیم محوری در طول تاریخ اندیشه... بوده است (Jackson, 19: 1999) و ابزارهای حقوق عمومی چه در حقوق اساسی و چه در حقوق اداری ساخته و پرداخته شدند تا مراقب دولت باشند، مقامات عمومی را کنترل کنند، اقتدار آن‌ها را مهار نمایند، آن‌ها را در مقابل مردم پاسخ‌گو کنند و بدین ترتیب از شهروندان در مقابل دولت حمایت کنند. (Wade, 2004: 4). همچنین ماندگاری نظام‌های سیاسی تا حد زیادی مرهون سلامت اداری به عنوان بازوی اجرایی آن می‌باشد. کارایی نظام‌های سیاسی در عرصه اجرا به میزان کارآمد بودن نظام اداری بستگی دارد. از این رو، با شناخت آسیب‌های نظام اداری، می‌توان علاوه بر کارآمد نمودن نظام اداری، به بقا و ماندگاری آن نیز کمک کرد. از سوی دیگر فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به هدف‌ها و از موانع اساسی رشد و تکامل آن‌ها به شمار می‌رود. به همین دلیل همواره کسانی که در پی سلامت نظام اجتماعی بشر و رشد و تکامل آن بوده‌اند، برای پیش‌گیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی تلاش کرده‌اند. پیامبران و اولیای الهی در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه برنامه‌های تبلیغی خود قرار داده، در این راه جان‌نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند (حسنی، ۱۳۹۱: ۸۱/۱۰۴).

۲- مؤلفه‌های نوین کنترل

مؤلفه‌های نوین کنترل و نظارت مالی در آثار و اعمال بزرگان دین اسلام نمود چشم‌گیری داشته است و در صورت به کارگیری دستاوردهای ناب دین مبین اسلام، بی‌تردید به مؤلفه‌های مدیریت کارآمد دست خواهیم یافت. امروزه در جوامع گوناگون، قدرت سیاسی که متجلی در مفهوم "دولت مدرن" است، با مفاهیمی همچون "حاکمیت قانون"، "تفکیک قوا"، "مسئولیت"، "نظارت" و "پاسخگویی" آمیخته است. از دیدگاه بسیاری از شهروندان دولت‌های مدرن، وجود یک قدرت سیاسی بدون عناصر و

شاخصه‌های یادشده غیرقابل تصور می‌نماید. بررسی سیرتطور تاریخی این مفهوم به روشنی بیانگر این موضوع است که در مقایسه با عمر چند صد هزار ساله قدرت سیاسی، تنها در سده‌های اخیر است که می‌توان نشانه‌هایی از مفاهیمی همچون حاکمیت قانون، دولت پاسخگو و نظارت بر دولت را دید (آقایی طوق، ۱۳۸۶: ۱۲۵) در حالی که در آثار امام علی علیه السلام نمود آشکاری از این مفاهیم را می‌توان یافت که در زیربه برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۲-۱- آزادی اطلاعات

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام همواره خود را به حق مردم در داشتن آزادی اطلاعات مکلف و مقید می‌دانسته است، آنجا که می‌فرماید: "آگاه باشید بر من است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکنم... و با همه شما به گونه مساوی رفتار کنم (دستی، ۱۳۸۸: ۵۰). در دولت‌های مدرن، مردم رکن اساسی حکومت قرار گرفته‌اند، در حالی که حضرت علی علیه السلام در او ان حکومت خود می‌فرماید: "تنها به اصرار مردم حکومت را پذیرفتم تا در احقاق حق آنان تلاش نمایم" (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: خطبه ۱۲۳). آن حضرت به کارگزاران خود امر می‌فرماید: "برای کسانی که به تونیز دارند زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان پردازی، برای دیدار ایشان به مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد" (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: نامه ۵۳). به دست آوردن اطلاعاتی که موفقیت‌ها و کارهای نیک یک دولت را نشان می‌دهند با دشواری چندانی مواجه نیست، اما چنانچه اطلاعات به خطاهای دولت مربوط باشد دشواری‌ها ظاهر می‌شود و نباید انتظار داشت که دولت داوطلبانه این اطلاعات را در اختیار مردم قرار دهد. چنانچه آزادسازی اطلاعات به تشخیص سیاستمداران و یا مقام‌ها و مدیران مؤسسات عمومی واگذار شود، هراس از اینکه مبادا با آشکارسازی اطلاعات خودشان را در معرض شک و تردید دیگران قرار دهند، اغلب مانع از تصمیم به آزادسازی اطلاعات می‌شود (Transparency International, 236). در حالی که

امیرالمؤمنین ندا برمی آورد: "... هیچ‌گاه خود را از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک و کار اندک، بزرگ جلوه می‌کند و... باطل به لباس حق درآید... اگر نسبت به حق واجبی که باید پیردازی... ترسی نداری پس چرا خود را پنهان می‌داری؟... با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت که شکایت از ستم دارند یا خواستار عدالتند...". (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: نامه ۵۳)، و برای توجه دادن کارگزاران به این امر، می‌فرماید: "عیب توتا آنگاه که روزگار با تو هماهنگ باشد پنهان است" (دشتی، ۱۳۸۸: حکمت ۵۱).

اما دولت‌ها به‌طور معمول به افکار عمومی توجه دارند و در تصمیم‌گیری‌های خود به آن نظر دارند. به علاوه در حوزه‌های بسیاری به شیوه‌های گوناگون امکان مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها فراهم شده است. البته بدون وجود یک دولتِ باز مشارکت عمومی بسیار کم و ناچیز است. دولتِ باز مستلزم دسترسی عمومی به اطلاعات و فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولت است. علنی بودن برای امکان مشارکت پارلمان و گروه‌های مردم در تعیین خط‌مشی‌ها و امکان مراقبت، واریسی و ارزیابی کارهای دولت و پاسخگویی تصمیم‌سازان ضروری است (هداوند، ۱۳۸۹: ۲۸۹). علی‌الشیخ قرن‌ها پیش فریاد برمی‌آورد: "ممکن است به من خبر دهید که کدام حق را از شما باز داشته‌ام؟ یا کدام سهم را برای خود برداشته‌ام و بر شما ستم کرده‌ام؟ و کدام شکایت حقی پیش من آورده شده که ضعف نشان داده‌ام؟ و کدام فرمان الهی را آگاه نبوده و راه آن را به اشتباه پیموده‌ام؟... خدا رحمت کند آن کس را که حقی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی را مشاهده کرده آن را نابود سازد و حق را یاری داده تا به صاحبش بازگردد". (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۲۰۵). این فراز بیانگر شناسایی حق پرسش مردم از حکومت است که نیازمند یک دولت باز و پاسخگوست.

۲-۲- شفافیت

"فرمان می‌دهد به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی، در آنجا که جز خدا هیچ‌کس گواه و احدی غیر از او وکیل نیست و نیز به او فرمان داده که برخی از اطاعت‌های الهی را آشکار انجام ندهد، در حالی که در پنهان خلاف آن را انجام می‌دهد (و باید بداند) آن کس که پنهان و آشکارش، کردار و گفتارش با هم مخالفت نداشته باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالصانه انجام داده است." (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: نامه ۲۶).

نخست، کمابیش سنتی‌ترین دلیل برای شفاف‌سازی حکومت‌ها این است که شفافیت حکومت، کنترل کنش و واکنش‌های مؤسسات عمومی را تسهیل می‌کند. سخن یادشده مبتنی بر این پیش‌فرض است که قدرت فسادآور است و باید کنترل شود (Ibid.:2). دوم، افزایش عقلانیت ابعاد مشورتی و کارآمدی فرآیندهای تصمیم‌سازی و در نتیجه اعتماد عمومی به حکومت، در گرو شفاف‌سازی حکومت است، زیرا حاکمان پاسخگو، یعنی حاکمانی که می‌توان از آن‌ها خواست تا فعالیت‌های خود را به مردم توضیح دهند، بیشتر می‌توانند به تصمیم‌های بهتر، منطقی‌تر، آن‌هم با روش‌های مؤثرتر نایل شوند (Amaryllis, 2000:1). بنابراین شفافیت پیش‌شرطی است برای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی. تنها یک نظام باز می‌تواند منافع شهروندان را تأمین کرده، اطلاع‌رسانی کند و در نتیجه از التزام و تعهد بیشتر شهروندان خود استفاده نماید. (Achim, 2000:11). به همین دلیل، برخی صاحب‌نظران معتقدند که شفافیت و مردم‌سالاری، دو اصل توأمان هستند (Deirdre, 1996:95). حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی علاوه بر فراهم نمودن زمینه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های راجع به مسایل عمومی و امکان نظارت مردم بر عملکرد مدیران جامعه، ابزار مهمی برای مبارزه با فساد اداری است. (Amaryllis, 2000:10). از نظر آژانس توسعه بین‌المللی (USAID) فساد، چالش جدی در سرراه توسعه است. در قلمرو سیاسی، فساد از طریق وارونه کردن فرآیندهای رسمی دموکراسی، اداره خوب جامعه را

تحلیل می‌برد. فساد پایه‌های مشروعیت حکومت و ارزش‌های دموکراتیکی چون اعتماد و مدارا را نابود می‌کند (Anti-Corruption programs, 2000 USAID) به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، آزادی اطلاعات، کلیدی‌ترین روش برای جلوگیری از فساد، کشف فساد و حمایت از تمامیت حکومت است (Maurice, 2001:1). "اسرارگرایی" (secrecy) افراطی، پوششی است که خطاهای حکومت و مأموران در پشت آن پنهان می‌شود و آزادی اطلاعات در صدد است تا "شفاف‌سازی حکومت" (Open government) را جایگزین آن سازد (Transparency International:236). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "و برای من سزاوار نیست که لشکر و شهر و بیت المال و جمع آوری خراج و قضاوت بین مسلمانان و گرفتن حقوق درخواست کنندگان را رها سازم" (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۱۱۹). "آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم استفاده کنم؟... هرگز چنین کاری نخواهم کرد" (همان، خطبه ۱۲۶). "سوگند به خدا معاویه از من سیاستمدارترین است، اما معاویه حيله‌گرو جنایتکار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است" (همان، خطبه ۲۰۰).

در این بیان حيله، نیرنگ و... که مبنای عدم شفافیت تلقی می‌گردد نکوهش شده است. "از هر کار پنهانی که در آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن. از هر کاری که از کهنه آن پرسش کنند، نپذیرد یا عذرخواهی کند، دوری کن" (همان، نامه ۶۹). «... پس نکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد... مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویدا است بپوشانی» (همان، نامه ۵۳).

۲-۳- مشاوره و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان

«من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبایی خود مستایید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم. پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجویید و با

ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان نبرید اگر حقی را به من پیشنهاد دهید بر من گران آید یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن نمی دانم که اشتباه کنم و از آن ایمن نمی دانم... مگر آنکه خداوند مرا حفظ فرماید». (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۲۱۶).

«مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می یابد احساس نگرانی نمی کنند، پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می شوند... پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید... که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپاداشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است» (همان جا).

تحقق هر برنامه اجتماعی با سطوح گوناگونی از ذی نفعان مواجه است که به دلایل گوناگون با آن برنامه دست به گریبانند و یا نتایج آن برنامه بر آنان تأثیر می گذارد، بنابراین بدون توجه به علایق و انگیزه های ایشان، به نتیجه رساندن یک برنامه تحول اجتماعی، امکان پذیر نیست. پس جلب و ارتقای مشارکت ذی نفعان در هر فرآیندی از این دست، نیازمند ظرفیت سازی است. ظرفیت سازی اجتماعی (CCB) که به آن ظرفیت سازی توسعه نیز می گویند، به تقویت توانایی ها، مهارت ها و رقابت های مردم و گروه های اجتماعی در جوامع توسعه یافته اشاره دارد که به آن وسیله بتوانند بر محدودیت ها (محرومیت ها) و عوارض منفی ناشی از آن ها فائق آیند. در بیانی دیگر ظرفیت سازی، توسعه نظام یافته (یا ارتقاء) دانش، نتایج، سطح، مدیریت، مهارت ها و دیگر استعداد های یک سازمان از طریق اکتساب ها، انگیزش ها، تکنولوژی و یا آموزش است. برای این منظور باید مداخلات هدفمند افراد و گروه ها در یک فرایند توسعه ای افزایش یافته و ضریب حساسیت ایشان بالاتر رود، لذا برنامه های ظرفیت سازی مبتنی بر اصلاح و تغییر نگرش ها، همچنین اصلاح ساختارها از سطح خرد و کلان فیما بین ذی نفعان بوده، حرکت به سوی حکمرانی به جای حکومت کردن و مشارکت و مذاکره به جای

آمریت و تفوق، استراتژی راهبردی این معناست (ابدی، ۱۳۹۴: ۲۱۰). براساس ایده "اداره خوب"، تصمیم‌های اداری باید مستدل باشد و مقام تصمیم‌گیرنده مکلف است دلایل و مستندات خود را ارائه کند. همچنین شهروندان حق مشارکت در جریان تصمیماتی را دارند که حقوق، آزادی‌ها و منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هداوند، ۱۳۸۹: ۴۸۷). این مهم است که تصمیم‌هایی که مدیریت دولتی اتخاذ می‌کند، هم قانونی و هم صحیح باشد و ادله کافی از آن پشتیبانی کند. اهمیت آن از این نظر است که مردم خواهان چنین تصمیم‌های خوب و درستی هستند و می‌خواهند در فرایند تصمیم‌گیری‌هایی که بر آن‌ها اثر می‌گذارد مشارکت داشته باشند (Ponce, 2005: 554)، زیرا حکمرانی نوین، از نقش شهروندان از یک مصرف‌کننده منفعل خدمات دولت، به یک مشارکت‌کننده فعال در حکمرانی بازتعریف دارد و به نوع جدیدی از مکانیسم همکاری اشاره دارد که در این مفهوم حکمرانی نوین یک نوع حکمرانی اشتراکی است (Shared Governance). در دنیای معاصر، آزادی اطلاعات به عنوان لازمه دموکراسی مشارکتی شناخته شده و به دلیل کارکردهای مفیدش، اکسیژن مردم‌سالاری لقب گرفته است. زیرا اگر مردم ندانند که در جامعه آن‌ها چه می‌گذرد و اگر اعمال حاکمان و مدیران جامعه از آن‌ها پنهان باشد، چگونه قادر خواهند بود در اداره امور جامعه نقش ایفا کرده، سهم مهمی داشته باشند (Toby, 1999, at: <http://www.Article19.org>). حکومت با پذیرش سهم مردم در جریان تصمیم‌گیری‌ها به بهترین وجه، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی خود را افزایش می‌دهد. (هداوند، ۱۳۸۹: ۴۱). در اسلام همواره مشورت و مشورت‌خواهی و مشارکت دادن مردم در امور سیاسی مشهود است: "هیچ پشتیبانی، مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست" (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹: حکمت ۱۱۳). «هرکس از آرای گوناگون استقبال کند، لغزشگاه‌ها را خواهد شناخت» (همان، حکمت ۱۷۳). «هرکس با مردم مشورت کند در عقل آنان شریک می‌گردد» (همان، حکمت ۱۶۱). «مشورت کردن، خود‌هدایت و راهیابی است و کسی که به رأی و اندیشه خود بسنده کند، خود را در خطر تباهی می‌افکند» (همان، حکمت ۲۱۱). «هرکس

خودرأی باشد تباه می‌شود» (همان، حکمت ۱۶۱).

امیرالمؤمنین در بیاناتی از مردم درخواست نمی‌کند، بلکه به مشارکت و نظارت دستور می‌دهد: «ای مردم، برای اصلاح کار خودتان مریاری کنید... که داد ستم‌دیده را از ستم‌گرستانم و مهار ستم‌گر را بگیرم و به آب‌شخور حق وارد کنم» (دستی، ۱۳۸۸: خطبه ۱۳۶).

۲-۴- شایسته سالاری

«به فردی که اطمینان ندراری و نسبت به اموال مسلمین دلسوز نیست [اموال دریافت شده به عنوان زکات را] مسپار تا آن را به پیشوای مسلمین برساند» (همان، نامه ۲۵). آن حضرت در مذمت یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «... و کسی که همانند تو باشد نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام برساند یا ارزش او بالا برود و یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند، پس چون این نامه به تو رسد نزد من بیا» (همان، نامه ۷۱).

«کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح، عمل کنند، باید خود برخوردار از صلاح باشند» (ماده ۳ فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری).

حضرت در جای دیگری می‌فرماید: "... بخیل را در مشورت کردن دخالت نده... ترسورا در مشورت کردن دخالت نده... حریص را در مشورت کردن دخالت نده... مبادا چنین افرادی محرم راز تو باشند... تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی... کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده و گناهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند... سپس از میان آنان افرادی را که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تورا مددکار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند. تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بییوند... هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند... هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی بهتر از نیکوکاری به

مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار به کاری که دوست ندارند نمی‌باشد ... و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کرده‌اند... و رعیت با آن اصلاح شدند بر هم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاید که پادشاه برای آورنده سنت و کیفر آن برای تو باشد که آن‌ها را درهم شکستی. با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.. (دستی، ۱۳۸۸، نامه ۵۳).

۲-۵- مبارزه با فساد

از جمله علل فساد، نارسایی‌های نظام اداری است که می‌تواند شامل: ضعف گزینش و انتصاب و ارتقای مدیران و تأثیر زیاد نظام سیاسی بر آن، ضعف در نظام ارزیابی، کارایی کم، ضعف شدید نظام کنترل و نظارت، نبود برنامه‌ریزی مطلوب، نارسایی در هدایت کارکنان، کاهش انگیزش کارکنان، قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های دست و پاگیر، بی‌دانشی و ناآگاهی و نبود مهارت، توانایی و انگیزه در برخی از کارکنان و مدیران، جابه‌جایی هدف‌های سازمان با اجرای خشک دستورالعمل (انضباط اداری) است (ذاکری صالحی، ۱۳۸۸: ۳۴). شروع حکومت حضرت به دلیل ساختار نامناسب حکومت سابق، با انبوهی از مفاسد و انحراف‌ها در نظام اداری و مالی و حکومتی همراه بود و از همان اوان حکومت، مبارزه با فساد سرلوحه حکومت اسلامی ایشان بود. "بدانید هرزمینی که عثمان بخشید و هرثروتی را که از اموال خداوندی هبه کرد، به بیت المال بازمی‌گردد، چرا که حقوق گذشته را چیزی از میان نبرد و اگر این ثروت‌ها را بیابم، درحالی که مهریه زنان شده یا در شهرها توزیع شده باشد به جایگاهش بازگردانم؛ چرا که عدالت را گشایش است و هر آن کس که عدالت برایش تنگ باشد، ستم بر او تنگ تر خواهد بود" (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۶۹). خطاب به یکی از کارگزاران خاطی خود می‌فرماید: "... پس از خدا بترس و اموال آنان را برگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم تو را کیفر خواهم کرد...". (دستی، ۱۳۸۸: نامه ۴۲).

فساد در دستگاه‌های اداری از منظر ایشان همواره امر مذمومی به شمار می‌آمده و هر چه مقاومت در برابر فساد بیشتر می‌شد، کارشکنی‌ها افزون می‌گردید، در حالی که استواری حضرت بیش از پیش نمایان می‌گشت: "به خدا قسم، اگر بمانم و سالم باشم آنان را بر راه روشن استوار خواهم داشت" (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۸).

"اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولید کننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و نومی‌دی خواهند کرد" (مقدمه فرمان ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری).

در اداره‌ها و دستگاه‌های دولتی، فساد را در دو بخش اداری و مالی می‌توانیم مورد بررسی قرار دهیم، اگرچه این دو به شیوه‌های مختلف در هم تنیده‌اند و در موارد بسیاری نمی‌توان آن دو را از هم تفکیک کرد؛ البته کاری‌ترین ضربه فساد بر پیکر اقتصاد، به هم ریختن ترکیب مخارج دولت است. سیاستمدارانی که فاسد هستند منابع مالی را بیشتر به جاهایی سوق می‌دهند که رشوه‌های کلان عایدشان کند و صدای آن هم در نیاید (Mauro, 1998: 147/148). حضرت می‌فرماید: "اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سربرم و یا با غل و زنجیر به این سویا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم" (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۲۲۴).

فساد مالی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنونی جامعه جهانی است که به موازات توسعه دیوان‌سالاری و بوروکراسی پیچیده اداری و در نبود سازوکارهای کارآمد، مبارزه با آن، به اشکال مختلفی رخ می‌نماید (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۱۲). در فرازی از امام علیه السلام در باره شایسته‌سالاری و صحت امور و موازین صحیح حسابرسی و مالی آمده است: "سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار (شایسته‌سالاری) و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف و ادار نکن (مشارکت پذیری)... کارگزارانت را از میان مردمی با تجربه و باحیا... انتخاب کن... سپس رفتار

کارگزارانت را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاییده بر آنان بگمار (نظارت)، که مراقبت و مهربانی و بازرسی پنهانی تراز کار آنان، سبب امانت داری و مهربانی آنها با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان توهم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار... مالیات و بیت المال را به گونه ای واری کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت.... مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های کوچک تر نخواهد بود... پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تون نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین.... پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ نظری و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز... بخشی از کارها به گونه ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی در آنجا که منشیان تراز پاسخ دادن به آنها در مانده اند (پاسخگویی) و دیگر، بر آوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می دارند و یارانت در رفع نیاز آنها ناتوانند... به گونه ای با آنان (اطرافیان و خویشاوندان) رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند.... و حق را به صاحب حق، هر کس که باشد نزدیک یا دور پرداز... گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکان فراهم آورد.... و هرگاه رعیت بر توبدگمان گردد عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار (آزادی اطلاعات و شفافیت)... و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی دارد... پس فساد، خیانت و فریب در عهد و پیمان راه ندارد؛ مبادا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغل کاری و فریب راه هایی وجود دارد و پس از محکم کاری و دقت در قراردادنامه، دست از بهانه جویی

بردار... و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخگویی پیمان شکنی باشی... اگر به خطا خون کسی را ریختی... مبدا غرور قدرت تو را از پرداخت خون بها به بازماندگان بازدارد.... مبدا با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری... مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی (تساوی) و از اموری که بر همه روشن است غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو باز می‌گیرند (پاسخگویی)... آنچه بر تو لازم است آنکه حکومت‌های دادگسترپیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر و اجباتی که در کتاب خداست را همواره به یادآوری و از آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی و برای پیروی از فرامین این عهدنامه... تلاش کن، زیرا اگر نفس، سرکشی کرد و بر تو چیره شد عذری نزد من نخواهی داشت، از خداوند بزرگ... درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید که نزد او و خلق او دارای عذری روشن باشیم.

(دشتی، ۱۳۸۸: نامه ۵۳).

۲-۶- مدیریت پاسخگو

هیچ سیستم دموکراتیکی بدون شفافیت و پاسخگویی و مسئولیت پذیری نمی‌تواند وجود داشته باشد و به حیات خود ادامه دهد (گزارش ابزارهای نظارت پارلمانی ۱۳۸۹: ۲/۱). پاسخگویی از عمده چالش‌هایی است که همه نهادها و مؤسسه‌های حقوقی با آن روبه‌رو هستند. امروزه همه نهادهای مبتنی بر قانون باید نسبت به خط مشی‌ها و اقداماتشان پاسخگو باشند. هر نهادی (حتی نهاد مردم‌نهاد) نیازمند یک سیستم پاسخگوست و پاسخگویی مبنای هر جامعه‌ای است که ادعا می‌کند دموکراتیک است (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۳۷/۲۶۳). در راستای این مؤلفه، حضرت خطاب به یکی از کارگزاران می‌فرماید: "...پس هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است" (دشتی، ۱۳۸۸: نامه ۴۰). «آیا به معاد ایمان نداری و از حسابرسی دقیق قیامت نمی‌ترسی؟... چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا

کردی درحالی که می دانی حرام می خوری و حرام می نوشی.... که خدا این اموال را به آنان وا گذاشته و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است» (همان، نامه ۴۱). «اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان برتوسخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال درمانده و خوار و سرگردان شوی» (همان، نامه ۲۰).

به هر حال ایده حکومت محدود و پاسخگو، متضمن آن است که شهروندان فرصت و امکان انتقاد از مقام های عمومی را داشته باشند و بتوانند از حمایت ها و جبران های مناسب در مقابل اشتباه های حکومت که بر آن ها تأثیر نامطلوب داشته است، برخوردار شوند. همچنین ایده یاد شده متضمن آن است که حکومت مکلف باشد با ارائه توضیح، اعمال و اقدام های خود را توجیه کند، به اعتراض ها پاسخ دهد و اشتباه های خود را جبران کند. بنابراین پاسخگویی و جبران، دست در دست یکدیگر به پیش می روند (Le Sueur, 1997:359/36). حضرت علی علیه السلام با قاطعیت می فرماید: "پس از من پرسید پیش از آنکه مرا نیابید. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، نمی پرسید از چیزی که میان شما تا روز قیامت می گذرد و نه از گروهی که صد نفر را هدایت یا گمراه می سازد، جز آنکه شما را آگاه می سازم و پاسخ می دهم" (دشتی، ۱۳۸۸: خطبه ۹۳).

کنترل از یک سومستلزم دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی است تا در برابر حکومت از خود دفاع کرده، از سوء استفاده احتمالی حکومت از قدرت خود علیه آن ها جلوگیری کنند و از سوی دیگر برای جلوگیری از سوء استفاده های اشخاصی که مردم برای حکومت بر خود انتخاب کرده اند، ضروری است. آگاهی و بصیرت ناظر و کنترل کننده بیرونی، پیش شرط نظارت و کنترل است که این پیش شرط در نتیجه شفافیت حاصل می شود و هرچه بصیرت عمومی افزایش پیدا کند، زمینه های سوء مدیریت یا کتمان سوء مدیریت ها از بین می رود یا کاهش می یابد. Achim, (2000:8). این مسئله در دیدگاه امام علیه السلام نمود زیبایی دارد: "بزرگ ترین چیزی که خداوند متعال واجب گردانیده است از حقوق، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است، واجبی که خداوند هر یک را برد دیگری واجب گردانیده و از این طریق نظمی را برای الفت

و دوستی ایشان قرار داده است و مایه عزت دین‌شان قرار داده است. پس مردم اصلاح نمی‌شوند مگر به وسیله حاکمان و حاکمان اصلاح نمی‌شوند مگر به پایداری مردم...» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: خطبه ۲۱۶).

نتیجه‌گیری

مبانی نوین مدیریت کارآمد مالی در حکمرانی نوین عبارت‌اند از: برنامه ریزی صحیح، سازماندهی و رهبری کارآمد و در نهایت کنترل، که به دنبال مؤلفه‌هایی همچون شفافیت، مشارکت طلبی و مشاورت با مردم، ایجاد ساختارهای اداری و انضباطی، مبارزه با فساد، شایسته سالاری و پاسخگویی می‌باشد؛ مؤلفه‌هایی که در سیره حکمرانی علی علیه السلام به وضوح قابل مشاهده است و مصداق این فرموده قرار می‌گیرد: "اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوری‌ها، اختراعات و ابتکارها و صنعت‌هایی است که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است... (وصیت‌نامه امام، ۱۳۶۸: ۴۰۶). البته "ضربه عدالت باید قاطع، ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان بیشتر کارگزاران در قوای سه گانه کشور را تشکیل می‌دهند، نباید مورد سوء ظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود" (ماده ۴ فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری).

منابع

۱. ابدی، سعیدرضا، «تنظیم مشارکتی مالیات، الگویی جدید در نظام مالیاتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۱، ۱۳۹۴.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۳. احمدی، مسعود، *مدیریت اسلامی* (اصول، مبانی، مفاهیم و الگوها)، چاپ چهارم، انتشارات پژوهش‌های فرهنگی، ساری، ۱۳۸۸.
۴. اشرف سمنانی، غلامرضا، *تحلیلی از مدیریت اسلامی*، چاپ اول، انتشارات بعثت، ۱۳۶۴.
۵. آقای طوق، مسلم، «مبانی و ماهیت نظارت قضایی بر اعمال دولت: مطالعه تطبیقی کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا»، *پژوهشنامه حقوق مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، شماره اول، ۱۳۸۶.
۶. الوانی، مهدی، *مدیریت عمومی*، چاپ هفدهم، نشرنی، تهران، ۱۳۸۱.
۷. امامی، محمد، *حقوق مالیه عمومی*، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۸. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، چاپ سیزدهم، انتشارات جاویدان.
۹. جاسبی، عبدالله، *مباحثی از مدیریت اسلامی*، مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. حسنی، علی، شمس، عبدالحمید، «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۵، ۱۳۹۱.
۱۲. دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ اول، انتشارات امام، قم، ۱۳۸۸.
۱۳. ذاکر صالحی، غلامرضا، *راهبردهای مبارزه با فساد اداری*، انتشارات جنگل، چاپ اول، ص ۱۳۸۸.
۱۴. رضائیان، علی، *اصول مدیریت*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. زارعی، جهان بین، عبادالله، محمدحسین، «نگرشی بر ضرورت‌های مقررات‌گذاری مطلوب در صنعت بیمه کشور (با نگاهی به استانداردهای IAIS)»، *پژوهشنامه بیمه علمی پژوهشی*، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۳۹۳.
۱۶. فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ دوم، نشر آثار فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹.
۱۷. علاقه بند، علی، *مدیریت عمومی*، نشر بعثت، تهران، ۱۳۷۵.
۱۸. _____، *مقدمات مدیریت آموزشی*، نشر روان، تهران، ۱۳۸۹.
۱۹. فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری.
۲۰. قلمکار، حنیف، «در شرح نظام حقوق مالیه عمومی و چالش‌های آن با عنوان دولت، پول را چگونه خرج می‌کند؟» *فصلنامه شهرقانون*، کتابخانه شهردانش، ۱۳۹۱-۱۳۹۲.
۲۱. گروه نویسندگان، *چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد مالی*، ترجمه احمد رنجبر، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۲. ۱۴۵ گزارش ابزارهای نظارت پارلمانی (۱) ۱۳۸۹، ص ۱-۲. (گزارش ابزارهای نظارت پارلمانی (۱)، (۱۳۸۹) تیر، مطالعه تطبیقی ۸۸ پارلمان، مطالعات سیاسی، مجلس

شورای اسلامی، مرکز پژوهش.

۲۳. صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸.

۲۴. محبی فر، رفعت، اصول و مبانی مدیریت، بخش ۱، جزوه درسی (نیم سال ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳).

۲۵. هداوند، مهدی، حقوق اداری تطبیقی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲۶. وصیت نامه امام، (۱۳۶۸).

- 1- Achim Berg; Improved rules on public access to documents? Stockholm University, 2000
- 2- Amaryllis Verhoeven; The Right to Information: A Fundamental RIGHT? Lecture at EIPA (Maastricht, May 29, 2000).p.1 available at: http://www.eipa.ni/publications/summaries/1997_2000/working_papers/conference_proceedings/Amaryllis.Pdf
- 3- Conceptualizing corruption: forms, causes, types and consequences, montesh mozes: www.icae.org.hk/news/1/issuesoeng/button4.htm
- 4- Jackson, Viki C. and mARK Tushnet, (1999), Comparative Constitutional Law, Foundation Press
- 5- Le Sueur, Andrew & Maurice Sunkin, public Law, Longman 1997
- 6- Mauro, 1998 Paolo, corruption, causes and ..., -finance and development -March
- 7- Maurice Frankel ; Freedom of Information and Corruption, p.1. paper for the Global Forum on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, The Campaign for Freedom of Information, May 2001, at: www.cfoi.org.uk
- 8- Ponce, Juli (2005), "Good Administration and Administrative Procedures", Global Legal Studies, 552
- 9- Toby, Mendel; The Public's Right to Know: Principles on Freedom of Information Legislation, London: Jun 1999, preface, at: <http://www.Article19.org>.
- 10- Transparency International ; op.cit
- 11- USAI Anti-Corruption programs, 2000
- 12- Wade, William and Christopher Forsyth, (2004), Administrative Law, Oxford university.